

مجید نظری

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دکتر شهريانو دلبري^۱

استاديار، گروه تاريخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تجارت ایران و چین در قرن چهارم هجری

چکیده

اسناد تاریخی، نشان از وجود روابط تجاری مسالمت‌آمیز همراه با تسامح مذهبی بدون هم پیمانی سیاسی یا سلطه نظامی بین ایران و چین در سده چهارم هجری دارد؛ اما سؤال مهم این است که این روابط با توجه به تعدد و تنوع کالاهای مبادلاتی که جنبه‌های مختلف معیشتی، صنعتی و تجملی را شامل می‌شد و متقاضیان زیادی داشت چه تأثیراتی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تمدنی گزارده است؟ بر اساس مطالعات صورت گرفته مشخص می‌شود که رشد فزاینده مبادلات تجاری که به صورت صادرات و واردات و خرید و فروش کالاها انجام می‌گرفت، تأثیرات بسیار مهمی نظیر تعدد اعزام سفارت‌ها، امضای تفاهم‌نامه‌ها و امنیت منطقه‌ای در عرصه سیاسی، ایجاد اشتغال، رونق بازار، رشد تولیدات داخلی، توسعه صنایع حمل و نقل، تولید ثروت و بهبود رفاه معیشتی در عرصه اقتصادی، آشنایی با آداب و رسوم، گسترش شریعت اسلام و انتقال علوم و فنون در عرصه فرهنگی و آبادانی شهرها، بنادر، کاروانسراها، تجارت‌خانه‌ها و گمرکات در عرصه تمدنی داشته است.

اهمیت پژوهش مزبور در این است که روابط تجاری، علاوه بر این که منجر به ایجاد صلح و امنیت منطقه‌ای و توسعه فرهنگی می‌شود در اعتلای قدرت اقتصادی که شرط اقتدار سیاسی است بسیار حائز اهمیت است چه برای ایران که به لحاظ استراتژیک در واقع نقش واسطه العقد تجاری را بین شرق و غرب و کریدور جنوب به شمال ایفا نموده و یک اتحادیه بازرگانی بین قاره‌ای را شکوفا ساخته و چه برای چین که توسعه اقتصادی خود را بر محور افزایش صادرات قرار داده و می‌تواند از مسیری امن با کمترین هزینه، برای توسعه صادرات حتی به جهان غرب سرمایه‌گذاری کند.

لازم به ذکر است این پژوهش، به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: تجارت، قرن چهارم هجری، ایران، چین.

مقدمه

بدیهی است هر کشوری برای رسیدن به حد مطلوب پویایی و پایایی اقتصادی، بایستی در زمینه تجارت با استفاده از عنصر ایجاد روابط دوستانه بازرگانی با سایر دولت‌ها و ممالک همجوار در صدد یافتن بازارهایی برای فروش و صدور کالاهای تولید داخلی و در مقابل، خرید به صرفه و وارد نمودن کالاهای اساسی و استراتژی مورد نیاز جامعه، باشد. ضمن این که با ترانزیت کالاهای کشورهای مجاور و بهره‌مندی از امکانات بندری و عوارض گمرکی می‌تواند به شکوفایی اقتصادی و تولید ثروت و بهبود وضعیت معیشتی مردم کمک نماید.

تجارت یا بازرگانی که به معنای به‌کارگیری سرمایه و انتقال مالکیت به صورت داد و ستد و خرید و فروش از طریق صادرات و واردات برای رسیدن به سود می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۸۹/۴)، در پژوهش‌های اقتصادی و تمدنی ملل اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای محققان، این مسئله به‌عنوان یک دغدغه مهم مطرح است که دولت‌های حاکم، علاوه بر مدیریت داخلی و تقابل نظامی با تهدیدات خارجی تا چه حد توانسته‌اند در راستای رشد اقتصادی و بهبود معیشتی مردم، توفیقاتی را کسب نمایند؟

در خصوص وجود رابطه تجاری بین ایران و چین در سده چهارم با توجه به سابقه چندین ساله بازرگانی که از قدیم رایج بوده، هیچ شکی نیست لیکن سؤال اصلی این است که صادرات و واردات انواع کالاها که از طریق کاروان‌های زمینی یا کشتی‌های دریایی انجام می‌گرفت چه تأثیرات متقابلی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی فرهنگی و تمدنی داشته است؟

فرض ما بر این است که علی‌رغم وجود فراز و نشیب‌های سیاسی و اختلافات فرهنگی، دو کشور توانستند با استفاده از عنصر تجارت که منافع ملی دو طرف را تضمین می‌نمود با راهبرد تسامح مذهبی که نقطه مقابل تعصب دینی است، موجبات رشد اقتصادی، امنیت منطقه‌ای، اعتدالی مظاهر فرهنگی و تمدنی را فراهم آورند.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت: مورخانی چون آدام مترز، ویل دورانت، ژوزف بورلو، جرجی زیدان، کلود کاهن رائین اسماعیل و محمود طاهری تحقیقاتی درباره ابعاد روابط بازرگانی بین ایران و چین داشته‌اند لیکن جای بررسی باخورد این روابط در توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تمدنی به طور ویژه در سده چهارم خالی است، لذا نگارنده را

بر آن داشته است که تحقیقات گسترده و در عین حال متمرکزی را انجام دهد. اهمیت پژوهش مزبور در این است که بهره‌گیری از نتایج حاصله می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های کلان استراتژیک مسئولان دولتی و سرمایه‌گذاران خصوصی دو کشور با توجه به بحران‌های کنونی منطقه‌ای مفید واقع گردد.

روش تحقیق در این مقاله به شیوه توصیفی تحلیلی و مستندات آن از منابع مکتوب مورخان و جغرافی دانانی چون سیرافی، اصطخری، ابن خرداد به، ابن ماجد، ابن مسکویه، ابن اثیر، مقدسی و مسعودی اتخاذ شده است.

جغرافیای سیاسی اقتصادی ایران و چین

ایران در جنوب غرب آسیا واقع و در سده چهارم جزء ممالک شرقی اسلام و مردم آن از ملل سامی محسوب می‌شدند. حکومت ایران با مرکزیت بغداد بر سرزمین‌های وسیعی که از صحاری غرب چین، ماوراء النهر^۱، هند، افغانستان و خراسان تا عراق عجم^۲ و خلیج بصره گسترش داشت، فرمان می‌راند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۶؛ ابن مسکویه، ۱۳۳۳ ق، ۲/۸).

اهمیت بغداد از نظر موقعیت استراتژی به دو جهت بود: یکی جنبه امنیتی چون در مجاورت دجله و فرات قرار گرفته و اگر دشمن قصد حمله داشت، می‌بایست یا با کشتی بیاید یا از راه پل به آن جا دست یابد و دیگری از نظر اقتصادی جنبه مرکزیتی بود که وصول آذوقه و کالاهای تجاری هم از راه خشکی چون در انتهای جاده خشکی ابریشم^۳ واقع

۱ ماوراء النهر به شمال رود جیحون در سرزمین توران که شامل بخارا و سمرقند می‌شد و اقوام ترک زبان، زندگی می‌کردند، اطلاق می‌گردید (اصطخری، همان: ۲۸۶؛ لسترنج، ۱۳۷۷ ش: ۴۶۰).

۲ در قرون وسطی ایالت جبال را که از خاور به کویر بزرگ ایران محدود بود و از باختر به شمال بین النهرین، عراق عجم می‌نامیدند تا با عراق عرب که در قسمت سفلی بین النهرین بود اشتباه نشود و شامل مناطق و شهرهای بزرگی چون اصفهان، همدان، ری، کرمانشاه، آذربایجان و کردستان می‌شد (حموی، ۱۳۸۳: ۲/۱۵؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۱).

۳ محورهای اصلی تجاری در مشرق زمین، شامل دو محور بزرگ خشکی و آبی با عنوان جاده ابریشم و جاده ادویه شناخته می‌شد. جاده خشکی ابریشم از چانگ آن چین، آغاز و قاره آسیا را در بلخ، بخارا، سمرقند، مرو، نیشابور، دامغان، همدان، بغداد، دجله و سوریه در می‌نوردید. جاده ادویه نیز که از هندوستان شروع می‌شد، عمدتاً پس از گذشتن از سواحل مکران در جنوب ایران و خلیج فارس به ایالت جبال در میان رودان به جاده ابریشم می‌پیوست. (حموی، همان: ۵/۱۸۰).

و نیز از مصر و شام به وسیله کاروان‌ها به آن جا میسر بود و هم از طریق نهرها توسط کشتی به گونه‌ای که محصولات چین از راه دریای خلیج فارس و اروندرود و محصولات موصل و روم شرقی از راه دجله می‌رسید و در مجموع نقش کانونی تجارت آسیا را ایفا می‌کرد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۶۵/۱).

چین، دورترین بلاد مشرق زمین در شرق آسیا و مردم آن از ملل یافثی و بودایی مذهب و از قدیم، بت طلایی تموز را تکریم می‌کردند. سرزمین چین، متشکل از سه بخش است: ۱- ماچین یا چین غلیا که در بخش شرقی و نام آن تغاج^۱ است. ۲- چین وسطی که سرزمین ختای^۲ نام دارد. ۳- چین سفلی در غرب چین که برخان^۳ نام داشته و همان ختن^۴ یا کاشغر^۵ معروف است که ترکستان چین نیز خوانده می‌شود (انصاری، ۱۳۵۷: ۲۸۳؛ فرشته، بی تا: ۲۹؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل چین).

شمال چین، صحرا و منطقه کویری است که به سبیری ختم می‌شود و شرق و جنوب چین را اقیانوس آرام، هند و خلیج بنگال احاطه نموده است. شرایط اقلیمی و جغرافیایی غرب چین به گونه‌ای نبوده که اهالی آن بتوانند با مردم سرزمین‌های مجاور روابط نزدیک داشته باشند، به همین دلیل، سالیان درازی دروازه‌های چین به روی ملل غیر بومی بسته بود لیکن به تدریج توسط بازرگانان شرقی، روابط تجاری نضج گرفت و چینیان نیز از آن استقبال کردند. پایتخت چین در سده چهارم شهر خمدان^۶ و مهم‌ترین شهر بندری که بار انداز بازرگانان بود، شهر خانفو^۷ یا کانتون^۸ امروزی در جنوب چین بود. البته در قرن چهارم به علت درگیری‌های داخلی چینیان، تماس بازرگانان با چینی‌ها عمدتاً در مالزی یا سیلان صورت می‌گرفت (سیرافی، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

^۱ Tawgaç

^۲ Xitay

^۳ Barxan

^۴ Xatan

^۵ کاشغر یکی از شهرهای مهم تجاری و حاصلخیز و مسلمان نشین چین است که پایگاه مهم تجارت پنبه چین به غرب بوده و به همین جهت به مروارید جاده ابریشم شهرت داشت (حمیری، ۱۹۷۵: ۴۸۹).

^۶ Xomdan

^۷ Khan fu

^۸ Canton

روابط تجاری ایران و چین در سده چهارم

در قرن چهارم همان گونه که مسلمانان در شمال پیشروی می‌کردند در شرق نیز بر مناطق وسیعی دست یافتند. لذا به سال ۳۳۱ پادشاه چین برای جلب دوستی نصر بن احمد ساسانی حاکم خراسان فرستاده ای به بخارا گسیل داشت و به خویشاوندی دو خاندان اظهار تمایل نمود و نصر رضایت داد که پسرش دختر خاقان را بگیرد، به همین سبب راه تجارت چین به روی مسلمانان باز شد. در ادامه، حکومت چین برای احیا و گسترش تجارت دریایی که مدتی به خاطر منازعات داخلی معطل مانده بود، با اعزام سفارت‌هایی برای دعوت بازرگانان خارجی که در دریا فعالیت می‌کردند کوشش فراوان نمود و زمینه مناسبی برای مبادلات بازرگانی فراهم آورد به گونه‌ای که در سال ۳۶۰ نظام اداره دریایی برای ثبت و کنترل کشتی‌ها را برقرار کرد و انبارهای کالاهای تجاری را بازسازی نمود و در سال ۳۶۹ تجارت خارجی را نیز انحصاری نمود و دستور تبعید و داغ کردن صورت کسانی را که به طور مستقیم با تجار بیگانه معامله می‌کنند، صادر کرد (متز، ۱۳۶۲: ۵۰۹؛ طاهری، ۱۳۷۸: ۴۳۰ و ۴۶۴).

بازرگانان ایرانی با توجه به صبغه تمدنی و تلفیق آن با آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی که تأکیدات فراوانی بر اشتغال به تجارت و معاملات عاری از ربا، غش و احتکار دارد آن قدر در انگیزه توسعه تجاری مصمم بودند که به گسترش سیطره خود در راه تجارت جهانی با شرق دور یعنی هند و چین و کم کردن نقش چین در تجارت جهانی چشم دوخته بودند. از طرفی با توجه به روحیه اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی که در بین حاکمان رایج شده بود؛ تخت‌های طلای مرصع^۱، آبنوس^۲ و عاج^۳ تهیه کردند پرده‌های زربفت و حریر^۴ آویختند، فرش‌های ابریشمی و طلاکاری گستراندند، از ظروف طلا و نقره‌ای و شیشه‌ای وارداتی

^۱ آن چه که در آن جواهر نشانده باشند. (معین، ۱۳۸۳: ۹۵۶).

^۲ چوب درختی که بسیار گران بها و سخت و سنگین است. (همان: ۶).

^۳ عضو دفاعی فیل که برای تزیینات مورد استفاده قرار می‌گیرد. (همان: ۶۷۰).

^۴ جامه ابریشمین. (همان: ۳۹۴).

استفاده می‌نمودند، نشان از اظهار تمایل آنان به واردات کالاهای تجملی از چین داشت (ابن اثیر، ۱۹۶۷ م: ۴/۳۴۲؛ زیدان، ۱۳۹۲: ۹۷۶).

ایرانیان در عرصه تجارت، امنیت راه‌های داخلی قلمرو دارالاسلام را تأمین و با توجه به برخورداری از ناوگان‌های بزرگ دریایی بر اقیانوس هند، دریای مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس نیز سلطه مقتدرانه داشتند و امور تجاری را تسهیل می‌نمودند. اگر در مقاطعی به دلیل منازعات داخلی، تجارت کاهش می‌یافت، بازرگانان با کمی تغییر مسیر، روند فرایند بازرگانی را استمرار می‌بخشیدند. البته گاهی موانعی هم به وجود می‌آمد که موجب می‌شد کالاهای چینی کمتر به بغداد و بصره برسند که از آن جمله می‌توان به بروز آتش‌سوزی در انبارهای چوبی کالاها در چین یا وقوع طوفان‌های شدید و حمله نهنگ‌ها که کشتی‌ها را دچار حوادث سهمگین می‌کرد یا تعرض دزدان دریایی که دائم در کمین کشتی‌های تجاری بودند اشاره کرد. ضمن این که در بسیاری از موارد به علت طولانی بودن مسیر، بازرگانان کالاهای خود را در شهرهای ساحلی قبل از رسیدن به مقصد اصلی به فروش می‌رساندند. به هر حال فعالیت‌های بازرگانی در اقلیم‌های مختلف، کاری بود بسیار پر خطر اما در عین حال بسیار سودمند و به طور کلی در سده چهارم، مبادله تجاری انواع کالا بین ایران و چین به اوج شکوفایی رسید (سیرافی، همان: ۳۱).

صادرات و واردات کالا

در قرن چهارم کالاهای تجاری سرزمین‌های شرقی که از تعدد و تنوع بسیاری برخوردار بود به دو طبقه کلی محصولات محلی داخلی و دیگری مال‌التجاره و کالاهای وارد شده از سرزمین‌های دیگر تقسیم می‌شد. در تجارت داخلی سرزمین‌های شرقی اسلامی بازارهای اصفهان، نیشابور و هرات و در تجارت بین‌المللی شهرهای غزنه^۱، کابل، بخارا، سمرقند،

۱ غزنه یا غزنین نام شهری بندری و تجاری در شرق افغانستان که در سده چهارم پایتخت غزنویان بود (حمیری، همان: ۴۲۸؛ لسترنج، همان: ۳۷۳).

خوارزم^۱، بغداد و سامرا، مراکز مهمی به شمار می‌آمدند. کالا به تناوب در چند مرحله حمل می‌شد، زیرا کمتر کاروانی همه این مسافت را یکسره می‌پیمود.

اساس صادرات چین متکی بر کالای ارزشمند ابریشم یعنی کهن‌ترین و فاخرترین هدیه چین به مغرب زمین بود. تولید و صادرات ابریشم، قرن‌های متمادی در انحصار چینی‌ها بود و آن‌ها اجازه نمی‌دادند که این صنعت و به‌ویژه تخم کرم ابریشم به دیگران برسد. چینی‌ها باغ‌های وسیعی از درختان توت را برای پرورش و تولید کرم ابریشم و تخم آن احیاء کرده بودند و در کارخانه‌های ابریشم سازی صد هزار کارگر اشتغال داشتند. اگر چه ابریشم در چین قیمتی نداشت و نیمی از جمعیت چین حتی فقرا و مساکین، جامه ابریشمی به تن داشتند اما در اروپا معادل وزن ابریشم، طلا می‌پرداختند (دورانت، ۱۳۴۱: ۷۷۵).

از دیگر صادرات چین، مُشک^۲ را می‌توان نام برد که به بلاد اسلامی می‌رسید اما مُشک چینی آن دوران نسبت به مشک تبت، چندان مرغوبیتی نداشت^۳. برخی کالاهای صادراتی چین عبارت بودند از: انواع ظروف، زین، اسب، سفال سبز، دارچین، عود^۴، گیاهان دارویی،

^۱ سرزمینی است در سفلی جیحون که مرکز آن جرجانیه و محل داد و ستد و تجمع کاروانانی که از بلاد غز می‌آمدند و به خراسان می‌رفتند بود. (حمیری، همان: ۲۲۵؛ حموی، همان: ۳۱۹).

^۲ مشک، ماده ای معطر با بویی تند، به رنگ قهوه ای و لزج است که از کیسه کوچک مجاور عضو تناسلی آهوی نر ختایی گرفته می‌شود و در تجارت به دو شکل عرضه می‌گردد: یکی مشکی که در کیسه مشک (نافه) است و مرغوب‌تر می‌باشد و دیگری مشکی که از نافه خارج شده و با مواد دیگر مخلوط می‌گردد. مشک در عطر سازی و معطر نمودن برخی مشروبات الکلی گران قیمت به کار می‌رود. (معین، همان: ۹۸۵).

^۳ مرغوبیت مشک تبت، معلول دو علت بود: نخست آن که آهوان مشکداری که در حدود تبت زندگی می‌کردند فقط از سنبل الطیب چرا می‌نمودند ولی در چین که هم جوار با تبت است از علف و گیاهان دیگر که می‌روید نیز ارتزاق می‌کردند. دوم این که تبتیان کیسه‌های مشک را به همان حال طبیعی نگاه می‌داشتند ولی چینیان صنعت را نیز در آن دخالت می‌دادند به علاوه صادرات مشک چینی چون از طریق دریا صورت می‌گرفت، بوی رطوبت می‌گرفت مگر این که در ظرف گلین بدون منفذ نگهداری می‌کردند. (سیرافی، همان: ۱۳۳).

^۴ عود، چوب گیاهی است قهوه‌ای رنگ که از سوختن آن بوی خوشی متصاعد می‌شود. (معین، همان: ۶۹۱).

پارچه ابریشمی زردوزی، پشم، مامیران^۱، کاغذ و شوره^۲ (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۵۳؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۳؛ طوسی، ۱۳۴۵: ۲۴۲).

واردات چین توسط بازرگانان مسلمان، شامل کالاهای متعددی می‌شد از قبیل: گلاب و انواع عرقیات مانند تارونه^۳، بومادران^۴، عرق زعفران، عرق بیدمشک، عرق سوسن و انواع عطریات چون عطر بنفشه، نیلوفر، نرگس و زنبق^۵، بادرنگ، بهار نارنج، مرزنجوش^۶، زردچوبه، خرما، شکر و انواع پارچه‌های کتان، پشمی، پنبه، پرده، انواع سنگ‌های قیمتی چون فیروزه، طلا، نقره، الماس، مروارید، سنگ آهن و نمک، قالی و قالیچه و بسیاری چیزهای دیگر که از طریق بندر سیراف انجام می‌گرفت (مقدسی، همان: ۶۵۸؛ حورانی، ۱۳۳۸: ۹۴؛ رائین، ۱۳۵۶: ۲۸۷/۱).

قسمت اعظم دیگر کالاهای وارداتی چین عبارت بود از: پوست پلنگ، کاسه لاک پشت، شاخ کرگدن^۷، شمش^۸ مس، مفرغ^۹، عود، کافور^{۱۰}، گردو، حریر که از اقصی نقاط آسیا تهیه می‌شد و عاج، آبنوس و برده سیاه که از افریقا می‌آمد. مروارید از اشیاء مورد علاقه چینی‌ها

۱ مامیران، گیاهی که شیره آن مسهل و عصاره‌اش برای رفع زگیل و تومور سرطانی تجویز می‌شد (همان: ۹۰۷).

۲ شوره، جسم سفید بلوری شبیه نمک که از شوره‌زار است و برای ساختن باروت به کار می‌رود. (همان: ۶۳۰).

۳ تارونه همان عرق شکوفه خرماست که دارای طبیعت گرم و برای دردهای معدی و قلبی مفید می‌باشد.

۴ گیاهی با برگ‌های بریده و گل‌های خوشه‌ای مرکب و سفید و خوشبو (معین، همان: ۱۹۳).

۵ زنبق گیاه معطر با گل رنگین و برگ‌های شمشیری (همان: ۵۳۶).

۶ مرزنجوش یا مرزنگوش گیاهی است معطر با شکوفه‌های سفید سرشار از ویتامین ث و مفید برای دردهای گوارشی و روماتیسمی. (ولاگ و استودولا، ۱۳۷۰: ۲۰).

۷ مردم چین از شاخ کرگدن که از هندوستان آورده می‌شد کمربندهایی می‌ساختند که از سه صد تا چهار هزار دینار ارزش داشت (ابن خرداد به، همان: ۵۱).

۸ طلا و نقره گداخته که در ناوچه ریزند و به شکل شوشه در آورند (معین، همان: ۶۲۶).

۹ آلیازی است از مس و قلع که با آن ابزارهای مختلف و مجسمه می‌ساختند (همان: ۱۰۱۵).

۱۰ ماده معطر جامدی که از ریحان، بابونه و درخت سینا استخراج و آرامش بخش و مقوی قلب و ضد سردرد و قاطع شهوت است و برای مومیایی نیز استفاده می‌شد. کافور بیش از همه مورد توجه پادشاه چین بود و هر من کافور را پنجاه فکوح می‌خریدند که معادل پنجاه هزار فلوس بود و پس از آن بود که سایر کالاها اجازه ترخیص برای خریداران می‌یافتند (معین، همان: ۷۸۷؛ سیرافی، همان: ۶۹).

بود. تجار برای آن که عوارض مروارید را نپردازند عادت داشتند که آن‌ها را در آستر لباس‌ها یا دسته چتر خود پنهان نمایند. روشن است که این مروارید از خلیج فارس و آب‌های اطراف آن به چین می‌رفت (حسن، ۱۳۷۱: ۱۷۰؛ متر، همان: ۵۴۸/۲؛ حتی، ۱۳۸۰: ۴۳۱).

بین بلاد چین، ترکستان، هند و ایران، پیوسته کاروان‌ها در حرکت بودند و تجارت در این بلاد، رونقی تمام داشت. از مرو و نیشابور، ابریشم، حریر و پارچه‌های نخی صادر می‌شد. از هرات، آهن و فولاد و پارچه به خارج می‌رفت، از بلخ، دانه‌های روغنی، میوه‌های خشک، چرم، عطریات و فلزات صادر می‌گردید. در نساء و ابیورد پوست روباه و پارچه، در طوس غیر از غلات، صنایع دستی و از ماوراءالنهر، صابون، پوست، روغن، خشکبار و میوه تهیه و صادر می‌شد. علاوه بر امتعه، بهترین بردگان ترک و غز از خراسان و ماوراءالنهر می‌آمد و به بغداد و دمشق گسیل می‌شد. برای همین بود که خلفای عباسی از همان ابتدای کار، به شرق بعد از حجاز و عراق توجه خاصی نمودند. بازرگانان که عموماً شامل موالی، یهودیان و ترسایان بودند، بیشتر در بغداد و بنادر عمان، سیراف و بصره فعالیت می‌کردند و دائماً از چین و هند تا سودان و آفریقا در سیر و سفر و نقل و انتقال بودند. از هند، الماس و یاقوت، از حبشه، عاج و عقیق و از نیشابور، عطر و فیروزه و از فارس، پارچه‌های کتان همراه می‌بردند. انواع پارچه‌ها و بافته‌ها از بلاد ایران و اقسام پوست از بلاد روس و ماوراءالنهر می‌آوردند (زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۴۵۱).

نقود معاملاتی و درآمدهای مالیاتی

معاملات عمدتاً با سکه درهم نقره و دینار طلا به میزان یک مثقال و به ارزش ده برابر درهم انجام می‌شد که جایگزین سکه‌های ساسانی در ایران شده بود. تنها خلیفه حق ضرب سکه را داشت و ضرابخانه‌ها در شهرهای بزرگ قرار داشتند. نظام دو فلزی موجب پیدایش صرافی گردید. به تدریج که ضرب سکه‌های نقره زیاد شد ارزش دینار به دوازده درهم در دوران بنی امیه و پانزده تا سی درهم در دوران بنی عباس رسید و هر درهم معادل یک فرانک فرانسه بود. البته پول رایج ممالک شرق اسلامی، درهم و در ممالک غرب، دینار استفاده می‌شد علت آن هم این بود که شرق از معادن نقره زیادی برخوردار بود چنان‌چه در مغرب، معادن طلا به وفور یافت می‌شد (اصطخری، همان: ۱۴۷).

دینار طلا و سکه امپراتوری بیزانس یعنی سلیدوس^۱ در بین‌النهرین رواج داشت، ولی پایه محاسبه بر اساس سکه‌های نقره و طلا بود. چینیان اگر چه طلا و نقره فراوان داشتند لیکن ترجیح می‌دادند در معاملات از فلوس مسی، استفاده نمایند که در صورت به سرقت رفتن کمتر ضرر کنند و هر هزار فلوس معادل یک مثقال طلا بود ضمن این که پول کاغذی جیانوزی^۲ نیز رواج داشت. گاهی اوقات هم معامله به صورت تهاتری صورت می‌گرفت یعنی کالاها را با کالاهای دیگر معاوضه می‌کردند و در این صورت، مال‌التجاره به‌صورت پایاپای ارزش‌گذاری می‌شد (سیرافی، همان: ۹۵).

با توجه به این که دام و تله بر سر راه کاروان‌های بازرگانی زیاد بود و مسئله اصلی، انتقال سرمایه بود لذا تاجران عمده، نمایندگان در شهرهای بزرگ داشتند که امور داد و ستد را انجام می‌دادند و در تجارت، استفاده از اوراق بهادار، صکوک^۳ و برات^۴ در بین بازرگانان عمده رواج یافت.

در مجموع تجارت برای همه اقشار و طوایف آزاد بود، اما بازرگانان چه داخلی چه خارجی، باید در بندرها، مرزها، ورودی شهرها یا کاروانسراها، مالیات یا عوارض گمرکی می‌پرداختند و برای پرداخت مالیات موظف بودند در همین محل‌ها داد و ستد کنند. بدون شک مبلغ پرداختی خارجیان دو برابر مسلمانان بود و عایدی زیادی از این راه به دست می‌آمد که در توسعه شهرهای تجاری و بندری بسیار مؤثر بود (بورلو، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

به‌عنوان مثال، مالیات بندر سیراف که به خزانه دربار مقتدر عباسی واریز می‌شد دوپست و پنجاه و سه هزار دینار بود و این خود نشان می‌داد درآمد این بندر بسیار زیادتر از مالیات آن بوده و همین درآمد بالا بود که آن را تبدیل به زیباترین و ثروتمندترین بندر جهان اسلام کرد. ساختن خانه‌های چند طبقه و مساجد زیبا با درب‌های چوبی گران‌قیمت ساج و

^۱ Solidus

^۲ Jiao Zi

^۳ صک همان چک است که برای انتقال غیرمستقیم پول از حساب اعتباری شخصی به شخص دیگر به‌کار می‌رود (معین، همان: ۶۴۵).

^۴ برات یک نوع حواله وجه است که از طرف حکام صادر و خزانه‌دار باید آن را به طلبکار پرداخت نماید (همان: ۱۶۵).

آبنوس و صندل، نشان می‌دهد که مردم این شهر به خاطر رفت و آمد کشتی‌های تجاری، مردمی مرفه شده بودند. اوایل قرن چهارم سالانه، حدود دو و نیم میلیون دینار معاملات در بندر سیراف انجام می‌گرفت (اصطخری، همان: ۱۴۷؛ طاهری، همان: ۴۵۵؛ اقتداری، ۱۳۴۵: ۱۰۶۴). میزان پرداخت مالیات متفاوت بود؛ کشتی‌هایی که از بنادر مجاور ثغرها یعنی شهرهای مرزی می‌گذشتند عَشری از بهای کالای خویش را به عمال خلیفه می‌دادند، کسانی که از معادن بهره بر می‌داشتند، خمس بهره خویش را به بیت‌المال می‌دادند، بازرگان یک ولایت وقتی که متاع خویش را به ولایت دیگر می‌برد چیزی به‌عنوان مکس می‌پرداخت. این مکس را بازرگان مسلمان از هر چهل درهم یک درهم می‌داد و اهل ذمه از هر بیست درهم یک درهم و از بازرگانی که رعیت اسلام نبود از هر ده درهم یک درهم گرفته می‌شد (زیدان، همان: ۲۸۹؛ زرین‌کوب، همان: ۴۵۱).

روش مالیات‌گیری در بنادر چین این گونه بود که به محض این که دریانوردان به ساحل چین می‌رسیدند چینیان کلیه محمولات و کالاهای آن‌ها را ضبط و در انبارهای مخصوص حفاظت می‌کردند. درست مدت شش ماه کالاهای بازرگانان هم چنان حراست و به دقت نگهداری می‌شد تا این که آخرین کشتی با کمک آخرین جریان باد موسمی وارد شود. آن گاه چینیان از هر کدام از کالاهای وارده سی درصد عوارض به طور جنسی اخذ نموده و بقیه آن را به بازرگانان مسترد می‌نمودند (سیرافی، همان: ۶۹).

تأثیرات متقابل تجارت

با توجه به رواج تعاملات تجاری سودمند و بهره‌مندی از شاهراه‌های بازرگانی خشکی و دریایی و اخذ مالیات بر تجارت، موجبات رونق اقتصادی، بهبود اوضاع اجتماعی، رونق شهرهای بندری و تجاری فراهم شد چرا که در جنوب ایران، بندر سیراف و اَبَلّه در جنوب و شرق بصره، لنگرگاه عمده کشتی‌هایی شده بودند که از دیار فارس و عرب، کالا به چین می‌بردند و مجدداً کالاهایی را برای صادرات به غرب باز می‌گرداندند، لذا این مناطق نقش کانونی تجارت آسیا را ایفا می‌کردند، ضمن این که بازرگانان ایرانی، در کرانه‌های هند مالزی و کانتون چین، تجارتخانه‌هایی را دایر نموده بودند که به فعالیت‌های مالی و معاملاتی در خصوص صادرات و واردات اشتغال داشتند و در شمال شرقی، خراسان و ماوراءالنهر که

محل التقای سرزمین‌های روس، ترکستان و چین بودند به دو مرکز تجاری معاملاتی عمده تبدیل شده بودند. بدیهی است تجارت در این مناطق، موجب رونق شهرهای نیشابور، مرو، بلخ، بخارا و سمرقند گردیده بود.

از مواردی که به این شکوفایی اقتصادی کمک می‌کرد، اعزام سفارت‌های اقتصادی به سرزمین‌های هند، چین، روس، بلغارستان، قسطنطنیه و فرانسه از اروپا بود. این هیئت‌های اعزامی قراردادهای تجاری با تأمین شرایط تجار و تعیین قیمت‌ها را منعقد می‌نمودند. به دنبال این قراردادها بود که بازارهای بزرگ، کاروانسراها و هتل‌ها تأسیس می‌گردید و روابط پولی، صکوک و سفته برقرار می‌شد و ضرب سکه رونق پیدا می‌کرد (ابن مسکویه، همان: ۸۶/۲؛ بوللو، همان: ۱۱۶).

از طرفی حمل کالا از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر، چه داخلی و چه خارجی و تشکیل کاروان‌های تجاری مستلزم تشریفات اداری و ترتیبات امنیتی از طرف دولت و بازرگانان بود تا از دستبرد راهزنان و حرامیان محفوظ بمانند، در نتیجه موجب امنیت نیز گردید (اصطخری، همان: ۸۴؛ فقیهی، ۱۳۵۷: ۴۲۸).

در حوزه دریایی باید گفت؛ بازرگانانی که از مغرب به مشرق و برعکس سفر می‌کردند بیشتر مسافتی که می‌پیمودند در دریا و با کشتی بود. از طرفی کلیه نهرها و شط‌هایی که به خلیج فارس می‌ریخت در تصرف حاکمان ایرانی بود و تنها کشتی‌های ایرانی بودند که آزادانه از خلیج فارس به دریاهای دیگر سفر می‌کردند (ابن حوقل، ۱۹۷۹: ۲۴۴).

عمده دریانوردان و ناخدایان مشهور نظیر عبدالواحد فسایی، ابوالحسن سیرافی، عبدالصمد سیرافی، محمد بن بابشاد، جوهر بن احمد ملقب به ابن سیره و عبیره کرمانی که هفت سفر به چین داشت و سالم برگشت، عمدتاً ایرانی و مسلمان بودند (مسعودی، ۱۳۶۰: ۱۲۳/۱).

دریانوردی در آن زمان بر اساس اصول دقیق علمی انجام می‌گرفت و ناخدایان از معلومات مربوط به راندن کشتی و دریاپیمایی از جمله علم نجوم، هیأت، جغرافیا، استفاده از قطب نما و نقشه‌های دارای نصف‌النهار کاملاً بهره می‌گرفتند. این گونه بود که دریانوردان می‌توانستند با کشتی‌های غیر مجهز آن دوران، در تمام دریاهای بزرگ و اقیانوس‌ها، سیر و

سفر کنند و مال‌التجاره حمل نمایند. بدیهی است با وجود این استعداد علمی و تجربی بود که جغرافیای دریانوردی در سده چهارم به اوج شکوفایی رسید چنان‌چه بزرگ بن شهریار ناخدای رامهرمزی که تمام عمر خود را بر روی اقیانوس هند سپری کرد، کتاب عجایب‌الهند را تألیف نمود که دارای دو بعد تجاری و اکتشافی بود (مقبول و تشنر، ۱۳۶۸: ۱۰۷؛ زکی، ۱۳۶۶: ۱۰).

ضمن این که یکی از عوامل مهمی که موجب نفوذ اسلام در اقصی نقاط عالم شد، همین سفرهای دریایی بود. البته در شرق عوامل دیگری نیز بر این تغییر فرهنگ، افزوده گشت و آن سابقه حمایتی بود که مسلمانان از ناحیه ایران در سال ۱۳۷ هجری از حکومت چین برای سرکوبی آنلوجین انجام دادند لذا پس از بر طرف شدن غائله به پاداش این خدمت شایسته به بازرگانان اجازه داده شد در شهرهای بزرگ چین بمانند و داد و ستد نمایند و در اثر سکونت و ازدواجشان با زنان چینی، مسلمانان چین به وجود آمدند. طولی نکشید به واسطه رفت و آمد بازرگانان و ورود بغراخان در جرگه امیران مسلمان، تعداد زیادی از مردم چین به اسلام گرویدند. البته باید توجه داشت این تغییر یکطرفه نشان از غنای فرهنگ اسلامی در مقابل دیگر فرهنگ‌ها بود (مه‌ری، ۱۳۹۰ ق: ۲۸؛ ابن ماجه، ۱۹۷۱: ۳۰؛ مقدسی، همان: ۶۴؛ لوبون، بی تا: ۷۹).

تأثیر فرهنگی ورود کالاهای خارجی این بود که نه فقط سرای زندگی مردم را از تجمل می‌آراست بلکه عقل و تجربه آنان را نیز به فرهنگ و حکمت بیگانگان پیوند می‌داد. از این حیث بازار برده فروشان به خصوص در بغداد و بصره محل تلاقی فرهنگ‌ها و آداب مختلف به شمار می‌آمد. از طرفی به خاطر اشتغال تعداد زیادی از مردم به کسب و کار از طریق تجارت برای آگاهی از احکام شرعی ویژه معاملات، کتاب‌های فقهی متعددی توسط دانشمندان اسلامی تألیف گردید از جمله: التبصر فی التجارة جاحظ، الاشارة الی محاسن التجارة دمشق، شذرات العقود مقریزی و الاکتساب فی الرزق المستطاب شیبانی (اسماعیل، ۱۴۱۰ ق: ۱۱۶).

علاوه بر این به سبب سفرهای تجاری، از آغاز سده چهارم جغرافی نویسی به عرصه ظهور می‌رسد به گونه ای که جغرافی دانان این قرن، نظیر اصطخری، ابن حوقل، مقدسی و سیرافی، هر کدام ممالک متعددی را به همراه آداب و رسوم اجتماعی، محصولات و صنایع داخلی و راه‌های

ارتباطی آن‌ها را به حد کفایت وصف نموده‌اند به‌ویژه که سبک مقدسی و سیرافی آن بود که آن‌چه را خود در نقاط مختلف خشکی و دریا دیده بودند ذکر نمودند که اعتبار مکتوبات آن‌ها را بیشتر می‌کند و این خود نشان از رشد مظاهر فرهنگی و علمی اسلامی است (لسترنج، همان: ۱۴؛ کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

توسعه فعالیت‌های تجاری در شرق، موجبات رشد اقتصادی اروپا را نیز فراهم آورده بود. چرا که مسلمانان موفق شدند سه اتحادیه بزرگ اقتصادی تأسیس نمایند: اول اتحادیه دریای مدیترانه دوم اتحادیه اقیانوس هند و سوم اتحادیه راه‌های بین قاره‌ای که ایران نقش محوری داشت (زیدان، همان: ۱۰۲۱).

لذا در قرن چهارم اگر چه سلطه مسلمانان به تدریج در غرب کاهش می‌یافت لیکن در شرق در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تمدنی، پیشرفت می‌کرد. این چنین بود که تجارت بین‌المللی مسلمانان نقش مهم‌ترین مظهر تمدن با ابهت اسلام را ایفا کرد که به مرحله سیادت در بلاد اسلامی رسید و جایگاه اول در تجارت جهانی را به خود اختصاص داد به گونه‌ای که بغداد و اسکندریه برای تمام جهان، قیمت اجناس و کالاها را تعیین می‌کردند، ضمن این که دارالخلافه بغداد، مرکز آمد و رفت نمایندگان سیاسی و اقتصادی شده بود (زیدان، همان؛ ۱۰۲۱؛ متر، همان: ۱۴).

نتیجه‌گیری

در سده چهارم هجری مکرراً هیئت‌هایی بین مراکز حکومتی ایران و چین، برای امضای تفاهم‌نامه‌ها و انعقاد قراردادهای تجاری عزیمت می‌نمودند که نشان از اهتمام حاکمان دو کشور به بسط روابط تجاری دارد. دو کشور علی‌رغم فراز و نشیب‌های سیاسی و اختلافات فرهنگی به تعامل تجاری همراه با تسامح مذهبی بدون هم‌پیمانی سیاسی روی آوردند و کشور ایران در امر تجارت منطقه‌ای نقش واسطه‌العقد تجاری بین شرق و غرب را ایفا می‌کرد.

با توجه به آزادی تجارت، علاوه بر بازرگانان ایرانی و چینی، سایر بازرگانان نیز از بلاد مختلف نظیر روس‌ها، عرب‌ها و یهودی‌ها توسط کاروان‌های تجاری از مسیر شاهراه‌های تجاری خشکی و دریایی جاده‌های ابریشم و ادویه با پرداخت حقوق گمرکی و عوارض

مالیاتی به امر تجارت اشتغال داشتند و بنا به اهمیت فوق‌العاده‌ای که تجارت، در حیات اقتصادی داشت حتی در دوره درگیری‌های نظامی، فعالیت‌های بازرگانی متوقف نمی‌شد و با کمی تغییر مسیر، ادامه می‌یافت.

کالاهای تجاری صادراتی یا وارداتی که از تعدد و تنوع فراوانی برخوردار بود عمدتاً شامل: انواع پارچه‌های ابریشمی، حریر، کتان، پنبه، چلوار، پوست، پشم، کنف، چرم، عطریات و عرقیات و انواع ادویه، جواهرآلات طلا و مروارید، سنگ‌های قیمتی عقیق و فیروزه، انواع ظروف سفالی، شیشه‌ای و کاشی، لوازم آرایشی، رنگ روغن، صابون، شکر، شراب، اسب، شیر، شتر، گوسفند، ماهی، عسل، زعفران، چای، چوب، کاغذ، قالی، قالیچه برده، انواع ادویه، خشکبار، کشمش، خرما، غلات، فلزات، آهن، فولاد و اسلحه می‌شد به دو شکل تهاتری یا نقدی درهم نقره و دینار طلای عباسی و پول کاغذی جیائوزی چینی، فلوس مسی عراقی و سکه سلیدوس بیزانسی معامله می‌شد.

گسترش ارتباط دو کشور در قالب داد و ستد تجاری و صادرات و واردات، موجبات آشنایی با آداب و رسوم انتقال علوم و فنون و گسترش دین اسلام در عرصه فرهنگی، افزایش اشتغال، رونق بازار، تولید ثروت، بهبود وضعیت معیشتی و امنیت راه‌ها در عرصه اقتصادی و احداث تجارتخانه‌ها، آبادانی شهرها، احیای بنادر و توسعه کشتیرانی و احیای اتحادیه بین‌المللی تجاری در عرصه تمدنی را فراهم آورد.

شایسته است در عصر حاضر، ایران و چین با توجه به داشتن دشمنان مشترک از جمله آمریکا و ایادی تروریست آن در منطقه، با بهره‌گیری از سیاست تنش‌زدایی و همگرایی منطقه‌ای به احیاء شاهراه‌های بازرگانی شرق به غرب پرداخته و ضمن ایجاد امنیت به توسعه روابط تجاری اهتمام ورزند. این سیاست، اولاً با گسترش خدمات تجاری از طریق تخفیف تعرفه‌ها، حذف مالیات در مناطق آزاد تجاری، تسهیل مقررات اداری و به حداقل رساندن تشریفات گمرکی و در نتیجه کم شدن زمان توقف کشتی‌ها و کامیون‌ها و کاهش زیان‌دهی صاحبان سرمایه، ثانیاً با توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی نظیر گسترش راه آهن و تقویت واگن‌های ریلی، توسعه بنادر، گمرکات و پایانه‌های باری برای بارگیری سریع کالاها در کمترین زمان، ثالثاً تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات از طریق بیمه بین‌المللی

کالاهای صادراتی و ترانزیتی و رابعاً عدم اتکاء معاملات به واحد پولی خاص برای آسیب‌زدایی ناشی از تحریمات مقطعی در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی میسر خواهد شد.

۱. ابن اثیر جزری، علی بن عبدالواحد (۱۹۶۷ م)، **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دارالکتاب، ج ۲.
۲. ابن حوقل. (۱۹۷۹ م)، **صورة الارض**، لبنان: بیروت، منشورات دار مکتبة الحیاء.
۳. ابن خرداد به، ابوالقاسم عبیدالله (۱۳۷۰)، **المسالك و الممالک**، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: نشر نو.
۴. ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد (۱۳۴۹)، **مختصر البلدان**، ترجمه ح مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ.
۵. ابن مسکویه، ابوعلی احمد، (۱۳۳۳ ق)، **تجارب الامم**، مصر: شرکه تمدن الصنایع.
۶. ابن منظور الافریقی المصری، ابوالفضل محمد (۱۴۰۵ ق)، **لسان العرب**، قم: ادب الحوزه.
۷. ابن ماجد نجدی، شهاب‌الدین احمد (۱۹۷۱ م)، **الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد**، دمشق.
۸. اسماعیل، محمود (۱۴۱۰ ق)، **تاریخ الحضارة العربیة الاسلامیة**، کویت: مکتبه الفلاح للنشر و التوزیع.
۹. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۷۳)، **ممالک و مسالك**، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران: ادبی تاریخی.
۱۰. اقتداری، احمد (۱۳۴۵)، **آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر فارس و دریای عمان**، تهران: انجمن ملی.
۱۱. انصاری دمشقی، محمد بن ابی طالب (۱۳۵۷)، **نخبة الدهر فی عجائب آلبر و البحر**، ترجمه سیدحمید طیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
۱۲. بوللو، ژوزف (۱۳۸۶)، **تمدن اسلامی**، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۳. جورج، فحورانی (۱۳۳۸)، **دریانوردی عرب در دریای هند**، ترجمه محمد مقدم، تهران: ابن سینا.
۱۴. حتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰)، **تاریخ عرب**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی.
۱۵. حسن، هادی (۱۳۷۱)، **سرگذشت کشتیرانی ایرانیان**، ترجمه امید اقتداری، تهران: آستان قدس.
۱۶. حموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳)، **معجم البلدان**، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: پژوهشگاه باستان‌شناسی.
۱۷. حمیری، محمد بن عبدالمنعم، (۱۹۷۵ م)، **الروض المعطار فی خبر الاقطار**، تحقیق احسان عباس، بیروت: مکتبه لبنان.
۱۸. دورانت، ویل (۱۳۴۱)، **تاریخ تمدن**، ترجمه پرویز داریوش، تهران: اقبال.
۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغتنامه**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. رائین، اسماعیل (۱۳۵۶)، **دریانوردی ایرانیان**، تهران: جاویدان.
۲۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، **تاریخ ایران بعد از اسلام**، تهران: امیرکبیر.
۲۲. زکی، محمدحسن (۱۳۶۶)، **جهانگردان مسلمان در قرون وسطی**، ترجمه عبدالله نصری طاهری، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۲۳. زیدان، جرجی (۱۳۹۲)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
۲۴. ولاگ، ژان و استودولا، ژیری، (۱۳۷۰)، گیاهان دارویی، ترجمه ساعد زمان، تهران: ققنوس.
۲۵. سیرافی، سلیمان (۱۳۸۱)، سلسله التواریخ یا اخبار الصین و الهاند، با اضافات ابوزید حسن سیرافی، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: اساطیر.
۲۶. طاهری، محمود (۱۳۷۸)، سفرهای دریایی مسلمین در اقیانوس هند، مشهد: به نشر.
۲۷. طوسی، محمدبن محمود (۱۳۴۵)، عجائب المخلوقات، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۸. فرشته، ملامحمدقاسم هندوشاه، تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی)، لکهنو: بی نا، بی تا.
۲۹. فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۷)، اوضاع آل بویه، گیلان: صبا.
۳۰. قره‌چانلو، حسین (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: سمت.
۳۱. کراچکوفسکی، ایگناتی (۱۳۸۹)، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی.
۳۲. لسترنج، گای (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۳. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیده‌اشم حسینی، تهران: کتاب فروشی اسلامی، بی تا.
۳۴. متز، آدام (۱۳۶۲)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
۳۵. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزهة القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
۳۶. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۰)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۷. معین، محمد (۱۳۸۳)، فرهنگ معین، تهران: سرایش.
۳۸. مقبول، احمد و تشنر (۱۳۶۸)، تاریخچه علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام، ترجمه محمدحسن گنجی، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۳۹. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۸۵)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: کومش.
۴۰. مهری، سلیمان بن احمد (۱۳۹۰ ق)، العمدة البحریة فی ضبط العلوم البحریة، دمشق: مطبوعات مجمع اللغة العربیة.



درهم عباسی ضرب مدينة السلام سنة ۲۱۱



